

◀ **استحق ارزانی**

گروه اقتصادی –تجارت خارجی ایران وابسته به صادرات نفت است. این وابستگی دوره به دوره افزایش یافته به طوری که امروز این طلای سیاه، محلی برای تهدید و بحران کشور در مقاطع تحریمی شده است.

سیاست گذاران سال‌ها است از کاهش و قطع وابستگی نفتی سخن می‌رانند اما تا امروز این هدف محقق نشده و همچنان ایران بخشی از درآمد ارزی خود را از طریق خام فروشی این محصول کسب می‌کند. تحقق این هدف بزرگ چگونه ممکن می‌شود؟ در این خصوص گفتگو با امین دلیری، تحلیلگر مسائل اقتصادی را در ادامه می‌خوانید.

تحقق اقتصاد بدون نفت در اصلاح ساختار اقتصادی ایران چگونه ممکن می‌شود؟

این پرسش که آیا ایران با توجه به وابستگی زیاد از یک‌قرن به‌نفت، سخن راندن از اقتصاد بدون نفت برای آن معنا دارد؟ یا ممکن است در کشوری وابسته به درآمدهای نفتی و با وجود ارتزاق و وابستگی‌های عده‌ای از صاحبان قدرت سیاسی و اقتصادی از درآمدهای حاصل از فروش نفت خام، عبور از چنین بیچ تاریخی شدنی است؟

برای اینکه میزان وابستگی اقتصاد

کشور به نفت را بهتر مورد تجزیه و

تحلیل قرار دهیم باید به سهم ۳۰٪مؤلفه مهم تشکیل دهنده درآمدهای دولت

یعنی درآمدهای مالیاتی، درآمدهای

گمرکی از نظر درآمدهای ریالی و

درآمدهای نفتی از نظر درآمدهای

دلاری در بودجه سالانه دولت و نیز

میزان آرزآوری کالاهای غیر نفتی از

نظر تأمین‌کننده نیازهای ارز کشور

در صورت کاهش یا صفر شدن

صادرات نفت خام مورد بررسی و

تحلیل کارشناسی قرار گیرد.

نخست به مالیات وصولی و سهم

آن در بودجه سالانه بپردازیم.

شکی نیست در سال‌های اخیر،

حجم و رشد ریالی مالیات وصولی در

بودجه‌های سنواتی بیشتر شده است

و به تبع آن سهم مالیات در بودجه

افزایش یافته است. اگر از تعدیل تورم

و کاهش صادرات نفت و کاهش سهم

حاصل از کاهش درآمدهایی نفتی فعلا

صرف‌نظر کنیم و صرفاً به عدد مطلق

مالیات وصولی در چند سال گذشته

متمرکز شویم، آمارهای منتشر شده

نشان می‌دهد تلاش خوبی در جهت

وصول مالیات انجام شده است.

البته افزایش درآمدهای گمرکی

و افزایش سایر درآمدهای دولت،

گرچه قابل توجه و ارزنده است، باید

این موضوع را هم در نظر داشته باشیم،

تعدیل نرخ تورم در واقعی کردن

قدرت خرید مالیات‌های وصول شده

در محاسبات مهم است.

بنابراین، به واسطه افزایش ۷ تا ۱۰

برابری قیمت کالاها و خدمات بر اثر

افزایش نرخ تورم سریع‌تر از رشد این مسئله

در تعدیل افزایش واقعی درآمدهای مالیات وصولی لحاظ شود. به عبارت دیگر میزان وصولی مالیات حقه دولت باید خیلی بیشتر از مالیات وصولی فعلی باشد تا بتواند ضمن برخورداری از رشد واقعی، قدرت خرید خود را پس از تعدیل نرخ تورم، حفظ کند.

در حال حاضر نسبت مالیات

وصولی به تولید ناخالص داخلی حدود

۸درصد است؛ در حالی که متوسط این

عدد در کشورهای جهان بیش از ۱۵

درصد بوده و این فاصله بسیار است.

یامیزان مالیات وصولی از مشاغل فقط

۶درصد است ولسی مالیات وصولی

از کارکنان بخش دولتی و خصوصی

بیش از ۱۰ درصد است. این آمار نشان

می‌دهد، هنوز ظرفیت مالیاتی زیادی در

کشور از جمله در بخش مشاغل به ویژه

در بعضی از مشاغل پر درآمد، وجود

دارد که مالیات حقه‌ه دولت وصول

نمی‌شود؛ یا بسیاری از افراد پر درآمد

فرار مالیاتی در سال‌های ۱۴۰۲ و

۱۴۰۳ اضافه کنیم، مجموع درآمدهای

دولت‌از محل مالیات و عوارض

گمرکی به ترتیب ۱۰۴۷ و ۱۳۶۵ هزار

میلیارد تومان می‌رسد.

خام و میعانات گازی ۲۵میلیارد و ۸۷۰

هزار دلار بوده و با احتساب صدور یک

میلیارد تومان در سال ۱۴۰۲ این رقم

محقق شد. ضمن آنکه منابع حاصل از

فروش نفت و فرآورده‌های نفتی که در

بودجه ۱۴۰۳ پیش بینی شده ۵۸۲ هزار

میلیارد و ۷۰۰میلیون تومان است.

چهارم اینکه سایر درآمدهای



در گفت و گو با تحلیلگر مسائل اقتصادی تشریح شد:

آیا اقتصاد ایران از سیطره طلای سیاه نجات می‌یابد؟

■ **سهم سه مؤلفه مهم تشکیل دهنده درآمدهای دولت، درآمدهای مالیاتی و گمرکی (ریالی) و درآمدهای نفتی (دلاری) است. نسبت مناسب بین آنها راه نجات ایران از اقتصاد نفتی است.**

و ۴۰۰هزار میلیون تومان در نیمه اول سال جاری وصول شده است.

نسبت مالیات وصولی در نیمه اول

سال ۱۴۰۳ به مالیات پیش بینی شده در

بودجه سال ۱۴۰۳ بالغ بر ۴۱٫۸ درصد

بوده و هنوز نسبت به مالیات وصولی

تعداد شده کسری وجود دارد؛ ولی این

نسبت در مقایسه با مدت مشابه سال

۱۴۰۲، بیش از ۶۳٫۹ درصد است.

بنابراین این کسری وصول مالیات باید

در نیمه دوم سال جبران شود.

دوم، عوارض وصولی گمرکی

(تحقق یافته) طبق آمار منتشر شده

از سوی مسئولان گمرک جمهوری

اسلامی ایران، در سال ۱۴۰۲ بالغ بر

۲۲۷ هزار میلیارد تومان بوده و رشد ۹۰۰

درصدی را نسبت به سال ۱۴۰۱ داشته

است. همچنین عدد پیش بینی شده از

محل عوارض گمرکی در بودجه ۱۴۰۳

مبلغ ۱۲۳ هزار میلیارد تومان است.

اگر عوارض گمرکی را به درآمد

مالیات وصولی در سال‌های ۱۴۰۲ و

۱۴۰۳ اضافه کنیم، مجموع درآمدهای

دولت‌از محل مالیات و عوارض

گمرکی به ترتیب ۱۰۴۷ و ۱۳۶۵ هزار

میلیارد تومان می‌رسد.

خام و میعانات گازی ۲۵میلیارد و ۸۷۰

هزار دلار بوده و با احتساب صدور یک

میلیارد تومان در سال ۱۴۰۲ این رقم

محقق شد. ضمن آنکه منابع حاصل از

فروش نفت و فرآورده‌های نفتی که در

بودجه ۱۴۰۳ پیش بینی شده ۵۸۲ هزار

میلیارد و ۷۰۰میلیون تومان است.

چهارم اینکه سایر درآمدهای

اقتصادی

لذا اصلاح ساختار اقتصادی بدون نفت که از آرزوهای دیرینه برنامه ریزان دلسوز واقعی کشور است، باید روزی محقق شود. برای انجام این کار نیاز به یک عزم ملی نیاز است و همیاری همگان را می‌طلبد.

به نظر می‌رسد با توجه به شرایط

اقتصادی کشور و موانع تحریمی، این

مهم باید در دستورکار دولت و مجلس

شورای اسلامی قرار گیرد. تحلیل ارقام

بودجه این امکان را برای برنامه ریزان

اصلاح ساختار بودجه می‌دهد از هم

اکتون در بودجه ۱۴۰۴ به این مهم توجه

ویژه داشته باشند.

در خصوص تحلیل ارقام

بودجه عملیاتی دولت به منظور

اصلاح ساختار ی بودجه هم

توضیحی بفرمائید که وظیفه

دولت‌ها چیست؟

درآمدهای مالیاتی در زمره

درآمدهای پساگ قرار دارد. اغلب

کشورهای دنیا به ویژه در کشورهای

توسعه یافته، مهم‌ترین و عمده‌ترین

منابع درآمدی دولت‌ها، درآمدهای

مالیاتی است. در برخی از کشورهای

توسعه یافته بیش از ۹۵در درآمدهای

دولت از محل مالیات وصولی تأمین

می‌شود.

در کشورهای توسعه یافته

و کشورهای با رتبه بالا و پیشرفته

اقتصادی، مسیر خصوصی سازی

واقعی طی شده است. دولت‌ها به جز

در فعالیت‌های تأمین امنیت، دفاعی،

سیاست خارجی، سیاست

سناتی، بهداشت و تأجدودی

در آموزش و پرورش در بقیه

فعالیت‌های اقتصادی واجتماعی

دخالتی ندارند. در کشور ماعلی

رغم تلاش‌های صورت گرفته،

تخصصی سازی واقعی، هنوز

راه‌درازی در پیش داریم. ولی

در همین نقطه‌ای که ایستاده‌ایم،

برای اصلاح ساختار بودجه

و اصلاحات اقتصادی باید با

انجام جراحی‌های درست،

برای زخیم‌های خوش‌خیم

از هم اکنون گام‌های اساسی

برداشت. در تحلیل آماری

درآمدهای دولت باید به ارقام

اشاره‌ای شود.

از محل مالیات، حقوق ورودی و

سایر درآمدهای ناشی از فعالیت‌های

دولت در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ به

ترتیب ۱۲۳۳٫۳ و ۱۵۹۸٫۳ هزار میلیارد

تومان است و اگر درآمدهای نفتی به

ارقم درآمدی سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳

افزافه شود این رقم به ترتیب ۱۶۴۲٫۱

و ۲۱۸۱ هزار میلیارد تومان می‌شود.

داخلی است. در کشورهای توسعه

یافته این عدد بسالای ۳۵درصد تولید

ناخالص داخلی است. متوسط این

عدد در کشورهای دنیا بالغ‌بر ۱۵

درصد است؛ بنابراین، ظرفیت‌های زیاد

مالیاتی در فعالیت‌های اقتصادی کشور

وجود دارد که هنوز شناسایی نشده

است. از سوی دیگر تنظیم تعرفه‌های

۱۴۰۳ به ترتیب ۷۵٫۱ و ۷۳٫۳درصد

است.

به این ترتیب در سال‌های گذشته

سهم نفت در بودجه دولت بیش از ۷۰

درصد بوده؛ در حال حاضر با توجه به

ارقام درآمدی بدون نفت، این نسبت

معکوس شده است. لذا شرایط بسیار

مساعدی برای ایجاد تحولی مثبت

در اصلاح ساختار بودجه فراهم شده

است. سهم ۲۵درصدی نفت در بودجه

سال ۱۴۰۲ و سهم ۲۷٫۷درصدی نفت

در بودجه ۱۴۰۳ این امکان را به وجود

آورده، با تقویت درآمدهای ریالی از یک

سو و کاهش هزینه‌های جاری از طرف

دیگر، داشتن اقتصاد بدون نفت را در

بودجه‌های سنواتی تجربه کنیم.

زمینه‌های لازم برای رسیدن

به نقطه هدف چیست؟

همان طور که اشاره شد، زمینه

مناسب برای ایجاد چنین تحولی و

فقط برای اصلاح ساختار بودجه

باید اقداماتی انجام گیرد. نخستین آن

«افزایش درآمدهای ریالی دولت» و البته

«کاهش هزینه‌های جاری دولت» است.

سومین باید به «تقویت تولید داخلی

بر اساس مزیت‌های نسبی کشور» بر

می‌گردد. مسئله دیگر هم طبیعی است

باید «صادرات غیر نفتی برای ارزآوری

بیشتر تقویت شود.

حال ممکن است پرسش شود

چگونه می‌توان درآمدهای ریالی دولت

را افزایش داد؟

درآمدهای عمده دولت به

درآمدهای مالیاتی، حقوق ورودی

از محل مالیات، حقوق ورودی و

سایر درآمدهای ناشی از فعالیت‌های

دولت در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ به

ترتیب ۱۲۳۳٫۳ و ۱۵۹۸٫۳ هزار میلیارد

تومان است و اگر درآمدهای نفتی به

ارقم درآمدی سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳

افزافه شود این رقم به ترتیب ۱۶۴۲٫۱

و ۲۱۸۱ هزار میلیارد تومان می‌شود.

داخلی است. در کشورهای توسعه

یافته این عدد بسالای ۳۵درصد تولید

ناخالص داخلی است. متوسط این

عدد در کشورهای دنیا بالغ‌بر ۱۵

درصد است؛ بنابراین، ظرفیت‌های زیاد

مالیاتی در فعالیت‌های اقتصادی کشور

وجود دارد که هنوز شناسایی نشده

است. از سوی دیگر تنظیم تعرفه‌های

۱۴۰۳ به ترتیب ۷۵٫۱ و ۷۳٫۳درصد

است.

به این ترتیب در سال‌های گذشته

سهم نفت در بودجه دولت بیش از ۷۰

درصد بوده؛ در حال حاضر با توجه به

ارقام درآمدی بدون نفت، این نسبت

معکوس شده است. لذا شرایط بسیار

مساعدی برای ایجاد تحولی مثبت

در اصلاح ساختار بودجه فراهم شده

است. سهم ۲۵درصدی نفت در بودجه

سال ۱۴۰۲ و سهم ۲۷٫۷درصدی نفت

در بودجه ۱۴۰۳ این امکان را به وجود

آورده، با تقویت درآمدهای ریالی از یک

سو و کاهش هزینه‌های جاری از طرف

دیگر، داشتن اقتصاد بدون نفت را در

بودجه‌های سنواتی تجربه کنیم.

زمینه‌های لازم برای رسیدن

به نقطه هدف چیست؟

همان طور که اشاره شد، زمینه

مناسب برای ایجاد چنین تحولی و

فقط برای اصلاح ساختار بودجه

باید اقداماتی انجام گیرد. نخستین آن

«افزایش درآمدهای ریالی دولت» و البته

«کاهش هزینه‌های جاری دولت» است.

سومین باید به «تقویت تولید داخلی

بر اساس مزیت‌های نسبی کشور» بر

می‌گردد. مسئله دیگر هم طبیعی است

باید «صادرات غیر نفتی برای ارزآوری

بیشتر تقویت شود.

حال ممکن است پرسش شود

چگونه می‌توان درآمدهای ریالی دولت

را افزایش داد؟